

بررسی اخلاق زیستی در اسناد بین‌المللی

محمد رضا رهبرپور

چکیده

اخلاق زیستی، دانشی نوپا و میان رشته‌ای در حوزه‌ی اخلاق کاربردی است که به تحلیل و بررسی چالش‌ها و مشکلات اخلاقی، فلسفی، دینی و حقوقی ناشی از ظهور و گسترش فن‌آوری‌های نوین زیستی می‌پردازد. آثار و پیامدهای حتمی یا احتمالیِ مخاطره‌آمیز ناشی از کاربست تکنولوژی‌هایی از قبیل شبیه‌سازی، دست‌کاری‌های ژنتیکی، آزمایش‌های زیست پزشکی بر روی موضوعات انسانی و... سبب شده است تا نهادهای بین‌المللی در سطوح مختلف به تدوین و تصویب اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌هایی مبادرت ورزند و ضمن تبیین اصول کلی و راهنما برای کشورها و قانونگذاری‌های داخلی از آنها بخواهند در راستای تنظیم مقررات و تدوین قوانین جامع و همه‌جانبه‌نگر مساعی خود را بکارگیرند. در این راستا و در سطح بین‌المللی می‌توان به اعلامیه‌های سازمان علمی، فرهنگی، آموزشی ملل متحد (یونسکو) و نیز تلاش‌ها و بیانیه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد اشاره کرد و در سطح منطقه‌ای کنوانسیون‌های شورای اروپا را خاطر نشان ساخت.

واژگان کلیدی: اخلاق زیستی (بیواتیک)؛ حقوق بشر؛ اسناد بین‌المللی؛ فن‌آوری‌های زیستی؛ شبیه‌سازی انسانی.

مقدمه

پیشرفت و گسترش سریع و بی‌محابای فن‌آوری‌های نوین در عرصه زیستی و تداوم بی‌وقفه آن در سالهای آغازین هزاره سوم، بدون هیچ شک و تردیدی، این قرن را قرن بیوتکنولوژی نامیده است. (جرمی ریفکین، ۱۳۸۲، ۱۴) بیوتکنولوژی (فن‌آوری زیستی) استفاده از فرایندهای بیولوژیک (زیستی) از طریق تجربه و آزمایش بر روی ارگانیسم‌های زنده و دست‌کاری در آنها به منظور تولید کالا، بهبود کیفیت آن یا حل یک مسأله زیستی موجود می‌باشد (راسخ، ۱۳، ۱۳۸۳). کسب نوآوری و دستاوردهای حیرت‌انگیز در حوزه‌های زیست‌پزشکی در واقع محصول دست‌اندازی در حوزه‌هایی است که تا پیش از این در انحصار قدرت مافوق بشری تصویر می‌شد. تولید گونه‌های حیوانی و گیاهی دارای ژن‌های پیوندی، شبیه‌سازی^۱، کودکان آزمایشگاهی و برآمده از لقاح مصنوعی، شیوع پدیده رحم‌های اجاره‌ای، کنترل تولید مثل و عقیم‌سازی، پدیده جانداران شیمیری^۲، مرگ آسان، پژوهش‌های مربوط به سلول‌های بنیادی جنینی، پیوند اعضای انسان و دست‌کاری‌های ژنتیکی، حوزه‌هایی هستند که علیرغم پیشرفت و توسعه دانش بشری، بیم‌ها و دغدغه‌هایی را در ذهن اندیشمندان، فلاسفه، دین‌شناسان و سیاستمداران برانگیخته است.

در راستای بررسی و تحلیل پرسش‌ها و معضلات جدی و عمیق ناشی از استفاده از فن‌آوری‌های نوین زیستی، اخلاق زیستی به عنوان شاخه‌ای جدید در حوزه اخلاق کاربردی متولد گردید و متکفل بحث از جنبه‌های مختلف موضوعات نوین زیستی گردید. نتیجه تلاش‌های اندیشمندان در حوزه اخلاق زیستی و تعامل آن با سایر شاخه‌های علوم بویژه حقوق و سیاست، تدوین و تصویب اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی در جهت یکپارچه ساختن هنجارهای لازم‌الرعايه اخلاق

زیستی بوده است. در گفتار حاضر سعی می‌شود به تلاش‌هایی که در این راستا در جامعه جهانی انجام یافته است، اشاره شده مختصات و ویژگی‌های آن تحلیل و بررسی شود.

۱- تعریف اخلاق زیستی

واژه نوترکیبی **Bioethics** متشکل از دو ریشه یونانی **bio** به معنای زندگی و **ethike** به معنای اخلاق، برای اولین بار در نوشته‌های چاپی در ۱۹۷۰م توسط رنسلر پاتر، زیست‌شناس و سرطان‌پژوه آمریکایی، در معنای «علم بقاء» و برای اشاره به حوزه‌ای جدید از تحقیق میان‌رشته‌ای بکار برده شد (پورمحمدی، ۱۳۸۷، ۴۰). اخلاق زیستی که به سرعت جایگاه خود را در مطالعات اخلاقی و زیست پزشکی پیدا نموده است، امروزه به شاخه‌ای از اخلاق کاربردی اطلاق می‌شود که به همه‌ی چالش‌های هنجاری پدید آمده از رهگذر پیشرفت‌های نوین علوم زیستی می‌پردازد (اسلامی و همکاران، ۱۳۸۶، ۱۴۳ و کاپرون^۳، ۱۹۹۸، ۲۵). اخلاق زیستی از این منظر که بر علم خاصی اطلاق گردد، سابقه و پیشینه‌ی طولانی ندارد و به اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰م و اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰م باز می‌گردد. البته باید توجه داشت که برخی موضوعات و مسائلی که امروزه رکن ثابت مباحث اخلاق زیستی را تشکیل می‌دهند، در گذشته جزئی از مباحث علم اخلاق پزشکی^۴ بوده‌اند اما به مرور زمان و با گسترش سریع و بی‌وقفه‌ی فن‌آوری‌های نوین در عرصه‌ی زیستی و تداوم و استمرار پرشتاب آن در سال‌های پایانی قرن بیستم و آغاز هزاره‌ی سوم، عنوان اخلاق زیستی و مسائل و مباحث خاص آن از اخلاق پزشکی منتزع و منفک گردید.

در معادل‌سازیِ واژه‌ی انگلیسی **Bioethics** به زبان فارسی، اختلاف نظرهای چندی به چشم می‌خورد. در یک جمع‌بندی کلی دو معادل فارسی توسط پژوهش‌گران و اندیشمندان این حوزه، مطرح و استعمال شده‌است:

الف- برخی واژه‌ی اخلاق پزشکی را کماکان بهترین معادل برای **Bioethics** می‌دانند. استدلال این عده این است که بسیاری از مباحث مطرح در اخلاق پزشکی و **Bioethics** با یکدیگر هم‌پوشانی دارد. لذا نیاستی به جعل اصطلاح جدید دست بزنیم. به عبارت دیگر از نگاه ایشان رابطه اخلاق پزشکی و اخلاق زیستی، عموم و خصوص مطلق است و نقطه‌ی افتراق این دو، آن‌قدر کوچک و ناچیز است که نمی‌توان به جعل اصطلاحی جدید دست زد. شاهد و مؤیدی که این عده بر معادل‌گزینی خود اقامه می‌کنند، این است که در بسیاری از کتبی که نویسندگان غربی تحت عنوان **Bioethics** نگاشته‌اند، آن را با اخلاق پزشکی برابر دانسته‌اند (میان‌داری، ۱۳۸۳، ۵).

این دسته از پژوهش‌گران روشن نساخته‌اند که اگر **Bioethics** همان اخلاق پزشکی است، چرا این واژه‌ی جدید مطرح و به عنوان دانشی جدید در دنیا مطرح شده‌است تا آن‌جا که در سال ۱۹۷۹م اولین دائرة المعارف آن تحت عنوان **Encyclopedia of Bioethics** تدوین شد و در سال ۱۹۹۸م ویراست دوم آن و در سال ۲۰۰۵م، ویراست سوم آن به طبع رسیده‌است.

ب- اکثریت نویسندگان فارسی زبان، واژه اخلاق زیستی را به عنوان معادلی برای واژه انگلیسی **Bioethics** مطرح کرده‌اند. این معادل امروزه جای خود را در محافل علمی باز کرده و کاملاً شناخته شده‌است. از نظر تحت‌اللفظی نیز کاملاً با اصل واژه‌ی انگلیسی آن مطابقت دارد. **ethics** یعنی اخلاق و **bio** به معنای زیست و در مجموع به معنای اخلاق زیستی خواهد بود.

کنگره‌ها، سمینارها و نشست‌های متعددی که در چندسال اخیر در ایران برگزار شده‌است از همین معادل برای واژه‌ی **Bioethics** استفاده کرده‌اند. در اولین کنگره‌ی بین‌المللی اخلاق زیستی که در فروردین ۱۳۸۴ در سطح بسیار بالایی علمی و با حضور ریاست جمهور وقت جمهوری اسلامی ایران، دبیرکل یونسکو و بسیاری از اندیشمندان و پژوهش‌گران ایران و جهان در تهران برگزار گردید و منجر به صدور بیانیه‌ی تهران در اخلاق زیستی گردید، اخلاق زیستی به عنوان معادل و برابری برای **Bioethics** شناخته شده‌است (بیانیه تهران، ۱۳۸۴، ۳).

۲- قلمرو و جایگاه اخلاق زیستی

اخلاق زیستی در واقع بخشی از اخلاق کاربردی است. اخلاق کاربردی در تعریف محدود عبارت است از کاربرد نظریه‌های اخلاقی در مسائل اخلاقی با بی‌طرفی در حل آنها و در تعریف موسع عبارت است از هرگونه کاربردی انتقادی روش‌های فلسفی برای سنجش تصمیمات عملی اخلاقی و مواجهه با مسائل، رفتارها و سیاست‌های اخلاقی در حرفه‌ها، تکنولوژی، سیاست و غیره (بیشامپ^۵، ۲۰۰۰، ۳۸-۳۹). حوزه اخلاق کاربردی خود بخشی از قلمروی وسیع‌تر اخلاق هنجاری است. به طور کلی مطالعات و پژوهش‌های اخلاقی در سه سطح و حوزه، مورد شناسایی و بررسی قرار گرفته‌است (فری: ۲۰۰۴، ۲۸):

۱. فرااخلاق،^۶ که بخشی از فلسفه‌ی اخلاق را تشکیل می‌دهد، در واقع

تحلیل مفاهیم بنیادین اخلاقی مانند: «خوب»، «بد»، «درست»، «نادرست»، «التزام» و مسئولیت است.

۲. اخلاق توصیفی،^۷ مطالعه‌ی علمی اخلاق است که هدف آن کسب

شناخت تجربی از اخلاق و اخلاقیات است. در این حوزه، دیدگاه‌های اخلاقی

توصیف و تبیین می‌گردد و ریشه‌های تاریخی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی آن‌ها جستجو می‌گردد. به طور مثال اگر اکثریت یک جامعه مخالف سقط جنین و در عین حال کاتولیک هستند، عالم اخلاق توصیفی، عامل عمده‌ی مخالفت با سقط جنین را در سنت کاتولیکی آن جامعه می‌جوید.

۳. اخلاق هنجاری،^۸ این حوزه از علم اخلاق به رویکردهای اخلاقی بالفعل می‌پردازد. اینکه چه قسم از اعمال از لحاظ عقلانی درست هستند و قابل دفاع و چه چیزهایی اخلاقاً نادرستند و غیر قابل پذیرش. آنچه در این حوزه از اهمیت برخوردار است این است که رویکردهای اخلاقی بالفعل بایستی با مبانی فرااخلاق سازگار و منطبق باشند.

اخلاق هنجاری خود به دو شاخه‌ی اخلاق هنجاری کلی^۹ و اخلاق هنجاری کاربردی^{۱۰} تقسیم می‌شود (بیوچمپ و والتر، ۲۰۰۳، ۳).

۱. اخلاق هنجاری کلی، توجیه و تبیین یک چهارچوب اخلاق کلی است برای پاسخ کلی به این پرسش که چه چیزهایی اخلاقاً درست و چه چیزهایی اخلاقاً نادرست است. نظریه‌های کلاسیک اخلاقی در همین راستا مطرح و شناسایی شده‌اند.

۲. اخلاق هنجاری کاربردی، به مشکلات اخلاقی خاص می‌پردازد که در حوزه و قلمروی خاصی مطرح و مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. همانطور که اشاره شد اخلاق زیستی به پاره‌ای مشکلات و چالش‌های ناشی از پیشرفت‌های تکنولوژیک در عرصه زیست‌فناوری می‌پردازد و از این حیث در ذیل اخلاق هنجاری کاربردی می‌گنجد. دانشمندان و متخصصان اخلاق زیستی، این واژه را در سه مفهوم عام، خاص و اخص به کار برده‌اند (ادوارد کریج^{۱۱}، ۱۹۹۸، مدخل bioethics).

الف- اخلاق زیستی در مفهوم عام و موسع آن، هم گام با تعریف پاتر از آن، به مسائل اخلاقی، اجتماعی و سیاسی اشاره دارد که به طور عام از علوم زیستی منشأ می گیرند و به طور مستقیم یا غیر مستقیم با بهروزی انسان ارتباط دارند. در این گسترده ترین کاربرد از اخلاق زیستی، اخلاق مرتبط با محیط زیست و اخلاق رفتار با حیوانات نیز بخش هایی از اخلاق زیستی را تشکیل می دهند.

نتیجه آن که بر اساس این مفهوم از اخلاق زیستی، رشته ای اختصاصی وجود ندارد که آن را اخلاق زیستی بنامیم بلکه مجموعه ها یا رشته هایی از مسائل اخلاقی هستند که از فن آوری های زیستی، پزشکی و تعامل انسان با حیوانات و محیط زیست ناشی می شوند.

ب- اخلاق زیستی در معنای محدودتر و خاص آن، عموماً به اخلاق پزشکی و همه ی مشکلات و مسائل گوناگون و پیچیده ی اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی مربوط به آن و از جمله مسائل اخلاقی مربوط به رشد فن آوری های نوین زیستی اشاره دارد. در این رویکرد به اخلاق زیستی، موضوعاتی هم چون تخصیص منابع، رضایت آگاهانه، سقط جنین، اُتانازی، خودکشی به کمک پزشک، مادری جانشینی (رحم های اجاره ای)، رابطه ی پزشک و بیمار، مهندسی ژنتیک، تشدید ژنتیکی و اخلاق در پژوهش های پزشکی و زیستی، همگی از محورهای اصلی اخلاق زیستی به حساب می آیند.

ج- اخلاق زیستی در معنای أخص آن به شماری از مشکلات اخلاقی اشاره دارد که پس از پیشرفت های اخیر در فن آوری های زیستی، به خصوص پیشرفت ها در چهار حوزه ی زیر به وجود آمده اند:

۱. فن آوری های حافظ حیات در آغاز و انجام زندگی.
۲. فن آوری های تشدیدکننده ی حیات برای اصلاح کیفیت زندگی.

۳. فن‌آوری‌های تولید مثل و به ویژه شبیه‌سازی.

۴. فن‌آوری‌های مرتبط با مهندسی ژنتیک، ژن‌درمانی و ژنوم انسانی.

از لحاظ اخلاقی مشکل اساسی در این است که چه هنگام و چگونه می‌توان این فن‌آوری‌ها را به کار برد و آیا آثار و پیامدهای به کار بستن این فن‌آوری‌های زیستی در زندگی بشر، چالشی جدی با مباحث اخلاقی و فلسفی بدنبال نخواهد داشت؟

۳- گستره حقوق و اخلاق زیستی

گستره حقوق، قلمروی تمشیت الزام‌آور رفتار اجتماعی انسان یا به عبارت ساده‌تر قلمروی کنترل حکومتی رفتار است (راسخ، ۱۳۸۳، ۶۲). پیدایش و گسترش فن‌آوری زیستی و امکان انجام اقداماتی بس شگرف و احتمالاً مخاطره‌آمیز توسط انسان کنجکاو و جویای علم، ضرورت تنظیم و کنترل رفتارهای وی را به منظور حفظ حقوق و منافع همه آحاد جامعه انسانی و رعایت اصول اخلاقی، طلب می‌کند. به تدریج شاهد آن هستیم که جنبه‌های حقوقی فن‌آوری‌های زیستی مورد توجه قانون‌گذاران و سیاستمداران قرار گرفته و بویژه در سطوح بین‌المللی گفتگوها و تلاش‌هایی را سامان می‌بخشد.

جنبه‌های حقوقی موضوعات اخلاق زیستی بسیار گسترده است و ابعاد وسیعی را به وسعت همه موضوعات اخلاق زیستی در بر می‌گیرد. فن‌آوری‌های نوین تولید مثل، مسائل جدیدی را از دیدگاه مذهبی و حقوقی همچون: نسب، حضانت، نفقه و ارث بوجود آورده است. اصل جواز برخی اقدامات زیستی همچون: شبیه‌سازی، دست‌کاری ژنتیکی و آزمایش‌های زیستی و ژنتیکی بر روی رویان و سلول‌های بنیادی به مثابه موجودات آزمایشگاهی، هنوز محل بحث و تبادل نظر

است و تنظیم و تدوین مقررات کنترلی برای این اقدامات ضرورتی انکارناپذیر است (کاپرون، ۱۹۹۸، ۲۷). نگرانی‌های ایجاد شده در این حوزه از قلمروی اخلاق زیستی به گونه‌ای است که ایجاد ممنوعیت و جرم‌انگاری را لااقل در برخی از اشکال آن ایجاب می‌کند. گستردگی شیوه‌های مختلف پیوند اعضا که در پرتوی بکارگیری تکنولوژی‌های جدید زیستی هموار گردیده است، مسائل نظری و عملی گوناگونی را در حوزه حقوق بویژه بحث مالکیت و امکان خرید و فروش و تجاری شدن داد و ستد اعضای اهدایی پدید آورده است. این همه خود نیازمند ورود جدی و جامع قانون‌گذاران و تدوین و تصویب مقررات و قوانین راهنما و بازدارنده است.

۴- تلاش‌های جهانی در تدوین مقررات اخلاق زیستی

نگرانی‌های موجود در قلمروی اخلاق زیستی و مسائل و معضلات اخلاقی، حقوقی و اجتماعی مربوط به آغاز و پایان حیات، سلول‌های بنیادی، آزمایش بر روی جنین و رویان انسانی، شبیه‌سازی و دست‌کاری‌های ژنتیکی، سبب شده‌اند تا حساسیت جامعه جهانی و نهادهای بین‌المللی بیش از گذشته به موضوعات زیست اخلاقی جلب شده و به سمت تدوین و تصویب اصول راهنما، مقررات و ممنوعیت‌هایی گام بردارند. در این راستا اسناد، بیانیه‌ها و کنوانسیون‌هایی تهیه و تنظیم شده است که به طور خاص به موضوعات و مسائل زیست‌اخلاقی می‌پردازد. اغلب این اسناد، مبنای کار خود را ارزش‌های موجود در اعلامیه جهانی حقوق بشر و معاهدات بعدی مرتبط با حقوق بشر قرار داده‌اند (سرافراز، ۱۳۸۶، ۱۸۹). تأکید بر حقوق اساسی انسان و ضرورت حفاظت از این حقوق و اصولی چون حفظ کرامت انسان، غایت بودن انسان و منع استفاده ابزاری از او، حق حیات و

آزادی‌های اساسی و بنیادین از ویژگی‌های بارز اسناد مختلف بین‌المللی ناظر بر اخلاق زیستی می‌باشد (موثق، ۱۳۸۶، ۱۲۵).

همچنین کدهای اخلاقی و اصول راهنمای تحقیقات و آزمایش‌های پزشکی که در نیمه دوم قرن بیستم تنظیم شده‌اند از زمینه‌های تاریخی و بسترهای فکری و اخلاقی اسناد و کنوانسیون‌های جدید اخلاق زیستی محسوب می‌شوند. در این راستا باید از کدهای اخلاق پزشکی نورنبرگ و اعلامیه هلسینکی یاد کرد. کدهای نورنبرگ محصول دادگاه جنایات جنگی نورنبرگ در محاکمه و مجازات سران جنایتکار آلمان نازی و مشتمل بر ده نکته اساسی در تعیین حدود آزمایش‌های پزشکی بر روی انسان است. مطابق این کدها، پژوهش و آزمایش بر موضوعات انسانی زمانی جایز است که نتایج آن به نفع جامعه بوده و از اصول اساسی اخلاقی و قانونی تخطی نشده باشد. رضایت اختیاری فرد آزمودنی لازم و ضروری شناخته شده و از هرگونه آسیب و صدمه جدی و غیرضروری اجتناب گردد. براساس کدهای اخلاقی نورنبرگ، آزمایش‌ها باید توسط افراد در بالاترین سطح مهارت و تخصص صورت پذیرد و آزمودنی این اختیار و حق را داشته باشد تا در هر مرحله از تحقیق و پژوهش، قطع رضایت و همکاری خود را اعلام نماید (عباسی، ۱۳۸۵، ۱۱-۱۴).

اعلامیه هلسینکی در سال ۱۹۶۲ م تصویب و در هجدهمین نشست انجمن بین‌المللی پزشکی در هلسینکی فنلاند به سال ۱۹۶۴ م مورد تجدید نظر واقع شد. این اعلامیه مجدداً در سال ۱۹۷۵ م در توکیو مورد بازنگری قرار گرفت. این اعلامیه که در واقع تأکیدی دوباره بر کدهای اخلاقی نورنبرگ بود، بر انطباق تحقیقات بالینی و آزمایش‌های زیستی بر اصول اخلاقی و قانونی تصریح می‌نماید. در صورتی که اقدامات پزشک و متخصص زیستی فقط جنبه علمی، پژوهشی و

اکتشاف داشته باشد باید به حقوق فردی و شخصیت و کرامت انسانیِ آزمودنی احترام گذاشت و ماهیت و هدف و خطرات تحقیق را بطور کامل و مشروح به او گوشزد نمود و رضایت کامل وی را أخذ کرد (عباسی، ۱۳۸۵، ۱۶-۲۳)

بررسی و مطالعه تلاش‌های بین‌المللی و اسناد مصوب در قلمروی اخلاق زیستی را (اعم از اسناد الزام‌آور و غیرالزام‌آور) در دو سطح منطقه‌ای و جهانی باید مورد توجه قرار داد. در سطح منطقه‌ای و بطور خاص در اروپا، قاعده‌مند کردن فن‌آوری‌های زیستی و تنظیم مقررات اخلاق زیستی از سرعت و موفقیت بیشتری برخوردار بوده است.

۵- اخلاق زیستی در گستره منطقه‌ای

بیشترین تلاش‌ها در سطح منطقه‌ای برای قاعده‌مند ساختن اخلاق زیستی، در حوزه اروپا صورت گرفته است. این اقدامات به صورت کنوانسیون‌های منطقه‌ای و مصوبه‌های چندی، تجلی یافته است. این اسناد هم دربرگیرنده اصول کلی حاکم بر اخلاق زیستی به طور عام می‌باشند و هم به مسائل خاص اخلاق زیستی از جمله: شبیه‌سازی، مهندسی ژنتیک، پیوند و اهداء عضو و مالکیت معنوی تحقیقات زیستی و پزشکی، اشاره دارند.

مهمترین سند اروپایی در حوزه اخلاق زیستی که شاید بتوان آن را تنها سند بین‌المللی الزام‌آور در زمینه مسائل مرتبط با اخلاق زیستی قلمداد کرد، «کنوانسیون حقوق بشر و پزشکی زیستی»^{۱۲} معروف به کنوانسیون اویدو^{۱۳}، مصوب ۴ آوریل ۱۹۹۷ در مجمع پارلمانی شورای اروپا^{۱۴} و پروتکل‌های الحاقی آن است^{۱۵}.

این کنوانسیون ضمن اشاره به کرامت، هویت و شخصیت انسانی و تضمین حمایت و پاسداری از آن در موضوعات پزشکی، زیستی و درمانی، در ماده یک آن، دولت‌های عضو را متعهد نموده است تا در قانون‌گذاری‌های داخلی خود به مقررات این کنوانسیون پایبند بوده و به آن ترتیب اثر بخشند. همچنین کنوانسیون در مواد ۲ تا ۴، به برتری انسان بر علم و جامعه، دسترسی برابر به مراقبت‌های بهداشتی و درمانی، رعایت استانداردها و موازین حرفه‌ای و تخصصی تصریح نموده است و در مواد ۶ و ۷ خود بر حمایت از افراد ناتوان از اعلان رضایت به آزمایش‌های پزشکی و افراد کم‌توان ذهنی و روانی تأکید نموده است.

افزون بر موارد فوق، این کنوانسیون به موضوعاتی همچون حق احترام به زندگی خصوصی افراد در ارتباط با اطلاعات مربوط به سلامت ایشان (ماده ۱۰)، ژنوم انسانی و مداخله و دست‌کاری در آن (مواد ۱۱-۱۳)، تعیین جنسیت جنین (ماده ۱۴)، شرایط لازم و ضروری جهت تحقیقات و پژوهش‌های علمی زیست‌پزشکی (مواد ۱۵-۱۷)، آزمایش بر روی جنین و رویان انسانی (ماده ۱۸)، پیوند اعضا و ممنوعیت خرید و فروش اعضا پیوندی (مواد ۱۹-۲۲)، اشاره نموده است.

پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون اویدو نیز که متعاقباً به تصویب شورای اروپا رسیده است هریک جداگانه به برخی از موضوعات و مسائل اخلاق زیستی پرداخته‌اند و اصول راهنما و مقررات لازم‌الرعايه‌ای را در خصوص موضوع یاد شده خاطر نشان ساخته‌اند.

در این راستا پروتکل الحاقی به کنوانسیون اویدو^{۱۶} در خصوص شبیه‌سازی انسانی در تاریخ ۱۲ ژانویه ۱۹۹۸ در پاریس به تصویب مجمع پارلمانی شورای اروپا رسید. این پروتکل که ضمن هشت ماده به تصویب رسیده است، تعهدات

عینی و مشخصی را در قالب قواعد حقوقی الزام‌آور اعمال نموده است و در واقع اولین معاهده بین‌المللی الزام‌آوری است که شبیه‌سازی انسانی را صراحتاً ممنوع نموده است. بر اساس ماده نخست این پروتکل: «هرگونه مداخله که با هدف ایجاد انسانی از نظر ژنتیکی همسان با انسان دیگر، اعم از زنده یا مرده، صورت گیرد، ممنوع می‌باشد». البته در این ماده به اهداف یا روش‌هایی که شبیه‌سازی برای آنها یا از طریق آنها صورت می‌گیرد، هیچ اشاره‌ای نشده است. گزارش توضیحی این پروتکل به صراحت بیان می‌دارد که موضع ویژه‌ای درباره شبیه‌سازی سلول‌ها و بافت‌ها برای مقاصد تحقیقی-درمانی اتخاذ نشده و نباید چنین تلقی گردد که پروتکل یاد شده مانع چنین فعالیت‌هایی است (تیموری، ۱۳۸۳، ۲۲). همچنین براساس ماده ۳ این پروتکل، کلیه مقررات و اصول مذکور در کنوانسیون اویدو به این پروتکل و موضوع آن تسری می‌یابد.

پروتکل دیگری که در تکمیل کنوانسیون اویدو، توسط شورای اروپا تصویب و به آن ضمیمه شده است، پروتکل الحاقی به کنوانسیون اویدو در خصوص پیوند اعضا و بافت‌های انسانی^{۱۷} می‌باشد. این پروتکل که در ۲۴ ژانویه ۲۰۰۲ در استراسبورگ فرانسه به تصویب مجمع پارلمانی شورای اروپا رسیده است، مقررات جامعی را در خصوص برداشت عضو و بافت با منشأ انسانی تدوین و ارائه نموده است.

براساس مفاد این پروتکل، کشورهای اروپایی متعهد شده‌اند تا ضمن پاسداری از کرامت و هویت فردی انسان، بدون هرگونه تبعیضی، رعایت شأن، منزلت و حقوق و آزادی‌های اساسی وی را تضمین نمایند. ایجاد سامانه‌ای برای دسترسی عادلانه بیماران متقاضی پیوند به اندام‌ها و بافت‌های اهدایی، در فصل دوم این پروتکل، پیش‌بینی شده است. براین اساس، تخصیص اعضا و بافت‌های پیوندی

تنها در چارچوب یک لیست انتظار رسمی و یک توافق شفاف و آشکار امکان‌پذیر است. رعایت کلیه موازین و الزامات حرفه‌ای و تخصصی نیز در ماده ۴ این پروتکل پیش‌بینی شده است. آگاهی دریافت‌کننده و اهداکننده عضو و بافت پیوندی از هدف، طبیعت و عواقب و مخاطرات عملیات پیوند، از شرایطی است که پروتکل الحاقی در مواد ۵ و ۱۲ مقرر نموده است. لزوم رضایت آگاهانه و آزاد فرد اهداکننده و اجازه‌نامه خاص و کتبی وی براساس شرایط مقرر قانونی از دیگر الزاماتی است که در مواد ۱۳ و ۱۷ این پروتکل به آن پرداخته شده است.

پروتکل الحاقی شرایط لازم و ضروری جهت برداشت عضو از انسان زنده را در فصل سوم و از انسان متوفی را در فصل چهارم مقرر داشته است. براساس ماده ۱۴، برداشت عضو و بافت پیوندی از افرادی که اهلیت لازم جهت اعلان رضایت و اعطای اجازه را ندارند، ممنوع قلمداد شده است. لزوم اثبات و تأیید مرگ متوفی جهت برداشت عضو و بافت‌های پیوندی از وی توسط تیم پزشکی متخصص در ماده ۱۶ پروتکل ذکر شده است. براساس این ماده تیم پزشکی تأییدکننده مرگ متوفی باید متفاوت از گروه پزشکی باشد که مستقیماً در برداشت عضو یا بافت پیوندی و یا مراقبت از اعضا و بافت‌ها تا قبل از عمل پیوند شرکت و مسئولیت داشته‌اند.

از نکات مهم و برجسته پروتکل الحاقی پیوند اعضا و بافت‌های انسانی، ممنوعیت استفاده و انتفاع مالی از کاشت و پیوند اعضا می‌باشد. براساس ماده ۲۱ آن، بدن انسان و اندام‌ها و بافت‌های وی قابل تقویم، سنجش و قیاس با مال نیست و در نتیجه هرگونه خرید و فروش و تجارت اعضا و بافت‌های انسانی وفق ماده ۲۲ پروتکل، ممنوع شده است. البته عدم کسب انتفاع مالی در قبال عضو یا بافت

اهدایی، منافاتی با جبران خسارات ناخواسته و ناروایی که از قطع و برداشت عضو یا بافت پیوندی حاصل شده است، ندارد.

پروتکل دیگری که به کنوانسیون حقوق بشر و پزشکی زیستی (اویدو)، الحاق شده است، پروتکل مربوط به پژوهش‌های زیست‌پزشکی^{۱۸} است. این پروتکل که به موضوع اخلاق در پژوهش^{۱۹} اختصاص دارد، با ۴۰ ماده در ۲۵ ژانویه ۲۰۰۵م. در استراسبورگ فرانسه به تصویب مجمع پارلمانی شورای اروپا رسیده است. براساس ماده یک این پروتکل، کشورهای عضو بر پاسداری از کرامت، شخصیت و هویت انسانی و احترام به تمامیت و حقوق و آزادی‌های اساسی وی در ارتباط با هرگونه پژوهش زیست پزشکی متعهد می‌گردند. فقدان آزمودنی جایگزین، عدم هرگونه ریسک و خطر بالفعل و بالقوه برای آزمودنی انسانی^{۲۰}، ابتناء پژوهش بر رضایت آزادانه، صریح، ویژه و مکتوب فرد مورد آزمایش، تشکیل کمیته‌های مستقل اخلاق جهت بررسی ابعاد مختلف هر پروژه تحقیقاتی و آگاه ساختن آزمودنی انسانی از همه اطلاعات قابل درک توسط وی در خصوص طبیعت، قلمرو، مدت زمان تحقیق و سایر جزئیات تحقیق، همگی از مواردی هستند که در فصول و مواد مختلف این پروتکل بر آنها تأکید شده است. فصل دهم پروتکل، مواد ۳۰ تا ۳۲، به تخلف از مقررات آن اختصاص دارد. براساس ماده ۳۲، دولت‌های عضو به تعیین ضمانت‌اجراهای مناسبی در جهت تضمین مقررات این پروتکل ملزم شده‌اند.

با بررسی کنوانسیون و پروتکل‌های فوق، می‌توان گفت که تعریف مشخصی از «انسان^{۲۱}» و «شخص^{۲۲}» ارائه نشده است. بعبارت دیگر مشخص نیست که از زمان انعقاد نطفه، شخص انسانی تکوین می‌یابد یا زمان دیگری در مراحل تکامل جنینی مدنظر است. در گزارش توضیحی پروتکل الحاقی به کنوانسیون اویدو بیان

شده است که: مطابق با رویکرد اتخاذ شده در تهیه کنوانسیون حقوق بشر و پزشکی زیستی، تصمیم گرفته شد تعریف حدود و دامنه‌ی عبارت «انسان» به منظور اجرای پروتکل حاضر به قوانین ملی کشورهای عضو واگذار گردد (موثق، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳).

نکته دیگری که از اسناد فوق استنباط می‌گردد، توجه ویژه به کرامت انسان، شأن، هویت و حقوق و آزادی‌های اساسی وی است. این رویکرد در ماده یک کنوانسیون اویدو و پروتکل‌های اختیاری آن تصریح شده است. بویژه در پروتکل مربوط به پژوهش‌های زیست‌پزشکی، بر رعایت این حقوق در مواد متعدد (مواد ۱، ۴، ۹، ۱۳) تصریح و تأکید شده است. با این حال در هیچ یک از این مواد، تعریفی از کرامت، شأن و هویت انسانی ارائه نشده است و چگونگی و چرایی ارتباط این حقوق با اخلاق زیستی و موضوعات آن بیان نگردیده است.

۶- اخلاق زیستی در گستره بین‌المللی

در سطح بین‌المللی، سازمان‌های متعددی، در راستای حمایت از اخلاق زیستی فعالیت و تلاش نموده‌اند. از جمله مهم‌ترین این تلاش‌ها باید به اقداماتی که در چارچوب سازمان بهداشت جهانی و سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) به تصویب قطعنامه منجر شده است، اشاره کرد. همچنین مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز فعالیت‌هایی را در راستای محدود ساختن و ایجاد ممنوعیت در یکی از قلمروهای اخلاق زیستی یعنی شبیه‌سازی انجام داده است که تاکنون به نتیجه نهایی نرسیده است.

الف) سازمان بهداشت جهانی؛ این سازمان در سال ۱۹۹۷ قطعنامه‌ای با عنوان شبیه‌سازی در تولید مثل انسانی^{۲۳} در مجمع عمومی سازمان به تصویب رسانیده

است. همچنین در سال ۱۹۹۸ قطعنامه دیگری با عنوان ابعاد اخلاقی، علمی و اجتماعی شبیه‌سازی در بهداشت انسانی^{۲۴} توسط مجمع عمومی این سازمان صادر شده است. شبیه‌سازی تولید مثلی^{۲۵} در هر دو قطعنامه از نظر اخلاقی غیرمجاز و با کرامت و تمامیت بشر مغایر شناخته شده است. در قطعنامه سال ۱۹۹۸، سازمان بهداشت جهانی از دولت‌های عضو می‌خواهد اقداماتی را برای ممنوع ساختن شبیه‌سازی تولید مثلی انسان، به عمل آورند. نکته قابل تأمل در خصوص مفاد قطعنامه‌های سازمان بهداشت جهانی، عدم تبیین چرایی غیراخلاقی بودن شبیه‌سازی است. اشارات کلی و مبهم به شأن و تمامیت بشر نیز کمکی به درک این مسأله نمی‌کند (موثق، ۱۳۸۶، ص ۱۵۳).

ب) سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)؛

موضوعات اخلاق زیستی بویژه ژنوم انسانی و اطلاعات ژنتیک انسانی، از دغدغه‌های سازمان یونسکو بوده است. در همین راستا این سازمان تاکنون سه اعلامیه درباره اخلاق زیستی و فن‌آوری زیستی صادر نموده است.

اولین اعلامیه که در ۱۱ نوامبر ۱۹۹۷ درباره ژنوم انسانی و حقوق بشر^{۲۶} تصویب شده است، در ماده نخست خود اعلام می‌دارد که ژنوم انسانی مبنای وحدت بنیادین همه اعضای خانواده بشری و نیز شناسایی شأن ذاتی و تمایز آنها از یکدیگر است. همچنین این اعلامیه بر حفظ حقوق بشر و آزادی‌های اساسی وی در پژوهش‌های علمی تأکید بسیاری نموده است. ماده ۱۱ این اعلامیه، بدون ارائه تعریفی از شبیه‌سازی انسانی، شبیه‌سازی تولید مثلی را ممنوع ساخته و مغایر با شأن و کرامت انسانی دانسته است. بعلاوه از دولت‌های عضو و سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار دعوت نموده است تا در شناسایی چنین اعمالی و اتخاذ تدابیر لازم در سطوح ملی و بین‌المللی همکاری نمایند.

دومین اعلامیه صادره از یونسکو، اعلامیه بین‌المللی درباره داده‌های ژنتیکی انسانی^{۲۷} مصوب ۱۶ اکتبر ۲۰۰۳ می‌باشد. ماده یک این اعلامیه، تأمین و تضمین احترام به شأن انسانی و حفاظت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی وی را در رابطه با جمع‌آوری، فرآوری، استفاده و ذخیره داده‌های ژنتیک انسانی و نمونه‌های زیستی‌ای که از آنها این داده‌ها استخراج شده‌اند و نیز تنظیم اصول راهنما برای قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری در این حوزه را به عنوان اهداف این بیانیه تعیین و اعلام نموده‌است.

براساس ماده هفت این اعلامیه، هرگونه استفاده از داده‌های ژنتیک انسانی برای مقاصدی که موجب تبعیض گردد به هر شکلی که نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی یک فرد را در پی داشته‌باشد، ممنوع می‌باشد. همچنین استفاده از این داده‌ها برای اهدافی که موجب انگ‌گذاری یک فرد، خانواده یا یک گروه یا یک جامعه گردد، مجاز نمی‌باشد. رضایت اولیه، آزاد، آگاهانه، صریح و بدون هرگونه القاء با نفع مالی یا بدون آن، براساس ماده ۸ اعلامیه باید اخذ گردد. همچنین ماده ۱۴ این اعلامیه، دولت‌های عضو را مکلف نموده‌است تا در جهت حفظ حریم خصوصی افراد و رازداری نسبت به داده‌های ژنتیک آنها تلاش نمایند.

سومین اعلامیه صادره از یونسکو، اعلامیه جهانی درباره اخلاق زیستی و حقوق بشر^{۲۸} است که در ۱۹ اکتبر ۲۰۰۵ به تصویب سی و سومین کنفرانس عمومی یونسکو رسیده‌است.

این اعلامیه در مقدمه، ضمن ابراز نگرانی از چالش‌های ناشی از فن‌آوری‌های نوین و تأثیر فزاینده آن بر درک بشر از زندگی، تأکید می‌نماید که مسائل اخلاقی مطرح شده به موجب این پیشرفت‌ها و کاربردهای فن‌آورانه‌ی آن، باید با

توجه کافی به منزلت و کرامت شخص انسان و احترام همگانی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی وی بررسی شوند.

تدوین چارچوبی جهانی از اصول و مقررات راهنما برای دولت‌ها در امر قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری در حوزه اخلاق زیستی، لزوم رعایت کرامت و منزلت انسانی، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی وی، تضمین احترام به زندگی نوع بشر و آزادی‌های اساسی وی منطبق با نظام بین‌المللی حقوق بشر و به رسمیت شناختن اهمیت آزادی در پژوهش‌های علمی و دستاوردهای ناشی از پیشرفت‌های علوم و فن‌آوری با تأکید بر لزوم پیشبرد این پژوهش‌ها در چارچوب اصول اخلاقی، همگی از اهداف و مقاصد این اعلامیه در ماده یک برشمرده شده‌اند. این اعلامیه تلاش نموده‌است تا ضمن برقراری پیوند میان حقوق بشر و اخلاق زیستی به یکی‌سازی اصول اخلاق زیستی و اصول حقوقی پردازد (سرافراز، ۱۳۸۶، ص ۲۰۱). احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی وی شامل رضایت آگاهانه، صریح و قبلی، درمان عادلانه افراد به قصد معالجه، حق انتفاع و سود بردن از پیشرفت‌های علمی، حفظ اسرار و حریم خصوصی افراد، احترام به ارزش‌های متنوع فرهنگی، تقدم منافع افراد انسانی بر منافع علم و جامعه، از جمله این اصول هستند که در اعلامیه اخلاق زیستی و حقوق بشر به آنها تصریح و تأکید شده‌است.

این اعلامیه برای دولت‌های عضو وظایف و مسوولیت‌هایی را برشمرده است. براساس بند ۵ ماده ۲۱: «به منظور مبارزه با تروریسم زیستی^{۲۹} و قاچاق غیرقانونی اعضای بدن، بافت‌ها، نمونه‌ها، منابع و مواد ژنتیکی، دولت‌ها در سطوح ملی و بین‌المللی باید مقررات مناسبی وضع و سیاست‌هایی اتخاذ نمایند». همچنین براساس ماده ۲۲ اعلامیه، دولت‌ها موظف شده‌اند در راستای پیگیری اصول مندرج

در این اعلامیه، مقررات و سیاست‌های مناسبی را در حوزه‌های قانون‌گذاری و اداری منطبق بر موازین حقوق بشر اتخاذ نمایند. همچنین از دولت‌ها خواسته شده است نسبت به تشکیل کمیته‌های اخلاق مستقل، چند رشته‌ای و کثرت‌گرا تشویق و حمایت لازم را مبذول دارند.

هرچند تلاش‌های سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در جهت گسترش و تثبیت اصول اخلاق زیستی و تهیه و تصویب اسناد و اعلامیه‌های مزبور قابل ستایش و در خور تحسین است اما در تمامی این اعلامیه‌ها همچون سایر اسناد موجود در خصوص اخلاق زیستی یا حقوق بشر، توضیحی درباره شأن و کرامت بشر و نسبت میان آن با اصول اخلاق زیستی به روشنی بیان نکرده‌اند. به عنوان مثال اعلامیه جهانی درباره ژنوم انسانی و حقوق بشر، شبیه‌سازی تولید مثلی انسان را مغایر شأن و منزلت بشر دانسته و آن را غیرمجاز اعلام نموده است. لکن مشخص نیست مبنای این مغایرت از دیدگاه اعلامیه چیست؟ اگر ژنوم انسانی میراث بشریت است و مبنای شأن ذاتی انسان تلقی می‌شود، شبیه‌سازی چگونه با آن مغایرت دارد (موثق، ۱۳۸۶، ص ۱۵۵)؟ وجود نظریات مختلف اندیشمندان و حقوق‌دانان در این خصوص، نشان‌دهنده‌ی عدم وجود اجماع درباره‌ی مغایرت کرامت و شأن بشر با شبیه‌سازی انسانی است (موسی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۲۹۸).

ج) مجمع عمومی سازمان ملل متحد؛

در پاییز ۲۰۰۱ کشورهای آلمان و فرانسه، پیشنهادی مبنی بر تهیه کنوانسیون بین‌المللی علیه شبیه‌سازی تولیدمثلی به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه دادند. این پیشنهاد در واقع بازتابی بود از پیشرفت‌ها و موفقیت‌های اخیر دانشمندان علوم زیستی در امر شبیه‌سازی حیوانات و زمزمه‌هایی که در خصوص انجام شبیه‌سازی

انسان، شنیده می‌شد. هرچند تا آن زمان شمار اندکی از دانشمندان و موسسات علمی-پژوهشی دانش لازم و ضروری برای این کار را داشتند اما این کشورها احساس می‌کردند بدلیل ضربه شدیدی که این اعمال بر کلیت خانواده بشری وارد می‌سازد، ضروری است تا توجه جامعه جهانی به این موضوع برانگیخته شود. لذا کشورهای آلمان و فرانسه بجای طرح موضوع در بخش‌های دیگر سازمان ملل متحد و موسسات وابسته به آن، مستقیماً از مجمع عمومی سازمان ملل خواستند وارد عرصه عمل شده موضع‌گیری نماید (ارسنجانی^۳، ۲۰۰۶، ۱۶۴).

مجمع عمومی سازمان ملل، بلافاصله دستور تأسیس کمیته‌ای ویژه جهت بررسی تهیه کنوانسیون بین‌المللی علیه شبیه‌سازی انسان را صادر نمود. همچنین توصیه نمود این امر در چهارچوب یک گروه کاری در کمیته ششم مجمع عمومی (کمیته حقوقی) ادامه یابد (تیموری، ۱۳۸۳، ص ۲۴).

در سال ۲۰۰۱م. واکنش دولت‌ها به ابتکار آلمان-فرانسه سرد و ملایم بود. این عکس‌العمل ناشی از جدید بودن موضوع و استبعاد تحقق خارجی آن بود. موضوع شبیه‌سازی بقدری تازگی داشت که مذاکرات مجمع عمومی در سال ۲۰۰۲ با ارائه اطلاعات جامع فنی و علمی در خصوص مکانیسم شبیه‌سازی و مشکلات اخلاقی-اجتماعی مرتبط با آن توسط متخصصان امر و صاحب‌نظران در اخلاق کاربردی آغاز گردید. برآیند اختلاف نظر راجع به دامنه ممنوعیت شبیه‌سازی انسانی به تنظیم دو پیش‌نویس متفاوت و ارائه آن به مجمع عمومی سازمان ملل منجر گردید.

طرح L.8 همان طرح پیشنهادی آلمان-فرانسه بود که به مجمع عمومی توصیه می‌کرد تهیه کنوانسیون بین‌المللی جهت منع شبیه‌سازی تولیدمثلی را پیگیری نماید. این پیش‌نویس از حمایت کشورهایایی چون: انگلستان، بلژیک، چین، ژاپن،

هندوستان، سنگاپور، روسیه و کره جنوبی برخوردار بود؛ کشورهایی که تا آن زمان در موضوع شبیه سازی درمانی و سلول های بنیادی درگیر شده و به موفقیت هایی نیز دست یافته بودند.

در مقابل، طرح L.3 با عنوان پیش نویس کنوانسیون منع کلیه اشکال شبیه سازی انسانی^{۳۱} قرار داشت. این پیش نویس که توسط کشور کاستاریکا در سال ۲۰۰۲ به کمیته ششم مجمع عمومی سازمان ملل ارائه شده بود از حمایت کشورهایی چون: ایالات متحده آمریکا، اسپانیا، ایتالیا، واتیکان و برخی دیگر از کشورهای آمریکای لاتین برخوردار بود. این پیش نویس ضمن جرم انگاری شبیه سازی انسان، تدابیر و اقداماتی را جهت پیشگیری از این افعال و معاضدت قضایی و پلیسی در این زمینه پیش بینی کرده بود.

در سال ۲۰۰۳ کشور کاستاریکا در پیشاپیش گروهی متشکل از ۶۸ کشور همچنان بر طرح پیشنهادی خود اصرار می ورزید. در مقابل کشور بلژیک رهبری طرح ابتکاری آلمان-فرانسه را بعهده گرفته بود. مذاکرات کمیته ششم (حقوقی) در سال ۲۰۰۳ ثابت نمود که رسیدن به توافق و اجماعی همگانی بر موضوع شبیه سازی امکان پذیر نیست. در طرح پیشنهادی ارائه شده از سوی کاستاریکا، شبیه سازی از طریق انتقال هسته سلول پیکری، شکافت و از بین بردن رویان به طور کلی ممنوع و جرم انگاری شده بود. کشورهای مخالف این طرح بدلیل تعهدی که بر ادامه مذاکرات داشتند، با بازنگری در طرح پیشنهادی خود، تشکیل کمیته ای تخصصی را خواستار شدند تا ضمن تهیه پیش نویس کنوانسیونی جهت ممنوعیت کامل شبیه سازی تولید مثلی بدون هرگونه حق شرطی، برای سایر اشکال شبیه سازی و نیز آزمایش بر رویان به وضع و تنظیم قواعد و مقررات بپردازد (ارسنجانی، ۲۰۰۶، ۱۷۲).

در این شرایط موضع کشورهای اسلامی تعیین کننده و در عین حال مبهم بود. این دولت‌ها آمادگی نداشتند تا از موضعی که بسیار نزدیک به آموزه‌های مذهب کاتولیک بود حمایت کنند. در نتیجه دولت جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی از کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، پیشنهادی مبنی بر تعویق بررسی پیشنهادهای مطروحه در کمیته ششم و مذاکرات مربوط به آن تا سال ۲۰۰۵، ارائه داد. پیشنهاد فوق با کسب ۸۰ رأی در برابر ۷۹ رأی همراه با ۱۵ رأی ممتنع به تصویب کمیته ششم (حقوقی) مجمع عمومی سازمان ملل رسید^{۳۲}. با این حال زمانی که این توصیه کمیته ششم برای تأیید به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه شد، این توافق نقض شد و بجای سال ۲۰۰۵، این مذاکرات تا پاییز ۲۰۰۴ به تعویق افتاد (ارسنجانی، ۲۰۰۶، ۱۷۳).

هم‌زمان با طرح این مباحث و مذاکرات در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، موسسات و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و دانشمندان علوم زیستی بطور گسترده‌ای ضمن تأکید بر ممنوعیت شبیه‌سازی تولید مثلی و ایجاد کودکان شبیه‌سازی شده، بر اهمیت تحقیقات مرتبط با سلول‌های بنیادی و شبیه‌سازی درمانی و نقش بالقوه آن در پیش‌برد درمان‌های نوین پزشکی، تأکید می‌ورزیدند (ارسنجانی، ۲۰۰۶، ۱۷۴). این موضوع به فضای حاکم بر مذاکرات بیشتر دامن می‌زد و رسیدن به توافقی مبتنی بر اتفاق و اجماع را دشوار می‌ساخت.

در سال ۲۰۰۴م. مجدداً تلاش‌ها برای حصول توافق در خصوص معاهده‌ای فراگیر آغاز شد. در این سال نیز موضع سازمان کنفرانس اسلامی تعیین کننده بود. کشورهای عضو این سازمان حمایت خود را تنها از دیدگاهی اعلام داشتند که بر آن اتفاق آراء (کنسانسوس)^{۳۳} باشد^{۳۴}. از آنجا که چنین اتفاقی بین دو دیدگاه حاکم در میان کشورها در مذاکرات کمیته ششم وجود نداشت، نهایتاً مجمع

عمومی سازمان ملل به تصویب قطعنامه‌ای در خصوص شبیه‌سازی انسانی^{۳۵} بسنده کرد. این قطعنامه که با ۸۴ رأی موافق در برابر ۳۴ رأی مخالف و ۳۷ رأی ممتنع به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید، نهایت تلاشی بود که پس از نزدیک به چهار سال مذاکره و مباحثه سخت و جدی حاصل شده بود. این قطعنامه‌ی کوتاه، دارای هشت بند مقدماتی و شش بند اجرایی است. در بندهای اجرایی این قطعنامه مقرر شده است:

- (الف) از دولت‌های عضو دعوت می‌شود تا تمامی تدابیر لازم را جهت حمایت کافی از حیات انسانی در اعمال علوم زیستی بعمل آورند.
- (ب) از دولت‌های عضو دعوت می‌شود تا همه اشکال شبیه‌سازی را بدلیل مغایرت با شأن بشر و حمایت از حیات انسانی، ممنوع کنند.
- (ج) بعلاوه از دولت‌های عضو دعوت می‌شود تا تدابیر لازم را برای ممنوعیت کاربرد فن‌آوری‌های مهندسی ژنتیک که با شأن بشر مغایرت دارند، بعمل آورند.
- (د) از دولت‌های عضو دعوت می‌شود تدابیری را برای پیشگیری از استثمار و بهره‌کشی زنان در کاربرد علوم زیستی بعمل آورند.
- (ه) همچنین از دولت‌های عضو دعوت می‌شود بدون هرگونه تأخیری، قوانین داخلی را جهت اثر بخشیدن به بندهای (الف) تا (د)، وضع و اجرا نمایند.
- (و) بعلاوه از دولت‌های عضو دعوت می‌شود تا در تأمین مالی پژوهش‌های پزشکی مشتمل بر علوم زیستی، مسائل جهانی برجسته‌ای چون بیماری ایدز^{HIV}، سل و مالاریا را که بویژه کشورهای در حال توسعه را متأثر می‌سازند، مدّ نظر قرار دهند.

علیرغم تلاش‌های چندین ساله دولت‌های عضو سازمان ملل متحد و کمیته ششم (حقوقی) جهت حصول وفاقی عام در خصوص موضوع شبیه‌سازی انسانی و

ممنوعیت آن، تصویب قطعنامه فوق در سال ۲۰۰۵ نشانه اختلافات عمیق فرهنگی، مذهبی و اجتماعیِ کشورها در خصوص مبانی و اصول مرتبط با شبیه‌سازی انسان بود. شاهد بر این مطلب یادداشت‌های توضیحیِ مختلفی بود که نمایندگان کشورها با گرایش‌های مختلف بر این قطعنامه افزودند و تلاش نمودند تا تفسیری موافق و متناسب با دیدگاه خود از قطعنامه مزبور ارائه دهند (ارسنجانی، ۲۰۰۶، ص ۱۷۶).

نتیجه

موضوعات اخلاق زیستی که در نتیجه پیشرفت و گسترش روزافزون فن‌آوری‌های نوین زیست-پزشکی مورد توجه طبقات مختلف جامعه انسانی قرار گرفته و دغدغه جدی سیاستمداران، فلاسفه، مذهبیین و بسیاری از اندیشمندان و مصلحان اجتماعی شده‌است، کماکان در انتظار اتخاذ رویکردی مشخص و معین از سوی کشورهای مختلف بسر می‌برد. تلاش‌های بین‌المللی گسترده‌ای نیز که در همین راستا صورت پذیرفته است هنوز به نتیجه لازم و مناسب دست نیافته است چرا که ما هنوز با هیچ سند الزام‌آوری در سطح جهانی و در خصوص هیچ یک از موضوعات اخلاق زیستی مواجه نشده‌ایم. تلاش‌های سازمان ملل متحد نیز در این راستا به نتیجه مشخصی نائل نگردید و اعلامیه تصویب شده در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به هیچ روی نمی‌تواند بعنوان سند الزام‌آوری که جامعه جهانی بر آن اتفاق و اجماع دارند، تلقی گردد.

با وجود عدم حصول موفقیت در راستای تدوین سند بین‌المللی الزام‌آور در حوزه اخلاق زیستی، بنظر می‌رسد یک وفاق جمعی جهانی در خصوص اهمیت موضوعات اخلاق زیستی و لزوم توجه به تنظیم و تدوین قواعد حقوقی و اخلاقی در این قلمرو، وجود دارد. از این رو، بایستی با تلاشی مضاعف و با الگو قرار

دادن اعلامیه‌های جهانی سازمان یونسکو درباره اخلاق زیستی، سعی بر یافتن عناصر مشترک و مورد اتفاق و اجماع نمود و در همین حیطه به تنظیم و تدوین معاهده و کنوانسیون بین‌المللی اقدام کرد؛ هرچند دستیابی و حصول به چنین اتفاق و اجماعی، تلاش بسیار مضاعفی را در عرصه سیاسی بین‌المللی طلب می‌کند. در عرصه‌ی حقوق ملی و داخلی نیز تلاش‌ها و پیشرفت‌های زیست-پزشکی در سال‌های اخیر و دست‌اندازی در قلمروی اخلاق زیستی، این نگرانی را تقویت نموده است که برخی اقدامات متخصصین و زیست‌شناسان در این عرصه، موجب نقض اصول اخلاق زیستی گردد. کاستن از این نگرانی‌ها ایجاب می‌کند تا سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران هر چه زودتر به وضع و تصویب قوانینی جامع و فراگیر در حوزه‌ی اخلاق زیستی و موضوعات مربوط به آن پردازند و خلأ موجود را پر نمایند. قطعاً در تهیه و تدوین این قوانین، اسناد و مصوبات بین‌المللی نیز بایستی مطمح نظر قرار گیرد.

پی نوشت‌ها

- 1- cloning
- 2- chimera
- 3- Capron Alexander .M.
- 4- Medical ethics
- 5- Beauchamp Tom L.
- 6- Meta ethics
- 7- Descriptive ethics
- 8- Normative ethics
- 9- General normative ethics
- 10- Applied normative ethics
- 11- Edward cariaig.
- 12- Convention on Human Rights and Biomedicine
- 13- Oviedo
- 14- Council of Europe, Parliamentary Assembly
- ۱۵- عنوان تفصیلی این کنوانسیون عبارت است از: «کنوانسیون پاسداری از حقوق بشر و کرامت انسان در خصوص کاربرد زیست‌شناسی و پزشکی»
- 16- Additional Protocol to the Convention for the Protection of Human Rights and Dignity of the Human Being With Regard to the Application of Biology and Medicine, on the Prohibition of Cloning Human Beings.
- 17- Additional Protocol to the Convention on Human Rights and Biomedicine Concerning Transplantation of Organs and Tissues of Human Origin.
- 18- Additional Protocol to the Convention on Human Rights and Biomedicine, Concerning Biomedical Research
- 19- Ethics on Research
- 20- human subject
- 21- human being
- 22- person
- 23- World Health Organization, Resolution WHO 50.37 on Cloning in Human Reproduction, 14 May 1997.
- 24- World Health Organization, Resolution WHO 51.10 on Ethical, Scientific and Social Implications of Cloning in Human Health, 16 May 1998.
- 25- Reproductive Cloning
- 26- Universal Declaration on the Human Genome and Human Rights, 11 November 1997.
- 27- International Declaration on Human Genetic Data, 16 October 2003.
- 28- Universal Declaration on Bioethics and Human Rights, 19 October 2005.
- 29- Bioterrorism
- 30- Arsanjani, Mahnoosh, M.
- 31- Draft International Convention on the Prohibition of All Forms of Human Cloning
- 32- UN Doc. A/C.6/58/SR.23 (2003).
- 33- Consensus

۳۴- کنسانسوس شیوه‌ای از تصمیم‌گیری در مجامع بین‌المللی است که براساس مشارکت جمعی اعضا و از طریق کاهش اعتراض رسمی و شدید آنها حاصل شده باشد.

35- United Nation Declaration on Human Cloning, General Assembly Res. 59/280, (Mar. 8, 2005)

فهرست منابع

الف - منابع فارسی

- اسلامی، محمدتقی و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶)، «اخلاق کاربردی چالش‌ها و کاوش‌های نوین در اخلاق عملی»، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- پورمحمدی، علی (۱۳۸۷)، «مبانی فلسفی اخلاق زیستی»، تهران، موسسه فرهنگی حقوقی سینا.
- راسخ، محمد (۱۳۸۴)، «بیولوژی و انسان: مسائل و دیدگاهها»، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۰.
- ریفکین، جرمی (۱۳۸۲)، «قرن بیوتکنولوژی»، ترجمه حسین داودی، تهران، نشر صبح.
- سرافراز، فرشید و فریدون (۱۳۸۶)، جایگاه اخلاق زیستی در قلمرو حقوق بشر بین‌المللی، مجله حقوق پزشکی، سال اول، شماره اول، پتیز ۱۳۸۶.
- عباسی، محمود (۱۳۸۵)، مجموعه کدهای اخلاق در پژوهش، تهران، انتشارات حقوقی، ۱۳۸۸.
- موسی‌زاده، محمد (۱۳۸۶)، کرامت بشری و شبیه‌سازی انسان، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۱.
- میان‌داری، حسن (۱۳۸۳)، «قلمروی اخلاق زیستی»، ویژه‌نامه خردنامه‌ی روزنامه همشهری، دهم تیرماه.
- تیموری، محمد (۱۳۸۳)، «بررسی منابع حقوق بشر بین‌الملل در مورد شبیه‌سازی درمانی انسان»، اخلاق زیستی (بیواتیک) از منظر حقوقی، فلسفی و علمی: سازمان (سمت) و دانشگاه علامه طباطبائی.

ب - منابع انگلیسی

- Arsanjani, Mahnoosh H.; "Current Developments Negotiating the UN Declaration on Human Cloning", the American Journal of International Law, Vol. 100, 2006.
- Capron, Alexander M.; "Law and Bioethics", Loyola of Los Angeles Law Review, Vol. 27 1994.
- Beauchamp, Tom L.; "Applied Ethics", USA, Macmillan Library Reference, 2000.
- Beauchamp, Tom, L. & Walter, L.; "Contemporary Issues in Bioethics", United States of America, Wadsworth, 2003.
- Frey, R.G.; "A companion to applied ethics", Blackwell, 2004.

Edward Cariaig; "Bioethics In Rutledge encyclopedia of philosophy",
London, Rutledge, 1998.

یادداشت شناسه مؤلف

محمدرضا رهبرپور؛ عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، دانشجوی
دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی پردیس قم دانشگاه تهران و پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق
پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی.

Email: R.rahbar@yahoo.com

تاریخ وصول مقاله: ۸۷/۸/۱۵

تاریخ داوری مقاله: ۸۷/۱۱/۵